موج سوم

خارقانی، شمس الدین

قانون شروع به کار در فرانسه،که در مجلس این کشور به عنوان بخشی از یک مجموعه با نام‏"موقعیت‏های‏ مساوی‏"در دوم آوریل سال جاری به تصویب رسید، کارفرمایان را محق می‏داند که کارکنان زیر 26 سال خود را در دو سال اول کار در هر شرایط و بدون ارائه دلایل‏ موجه به مراجع قانونی اخراج کنند.در این قانون آمده‏ است که اگر در دو سال نخست کارفرما از عملکرد کارمند خود راضی بود،وی خواهد توانست به طور دائم‏ به کار خود ادامه دهد.به بیان دیگر کارمند باید دو سال‏ اول کار خود را به صورت آزمایشی طی کند و سپس به‏ کار ثابت مشغول شود.

این قانون به حق برای دولت دومینیک دوویلپن، نخست‏وزیر فرانسه،مشکلات و دردسرهای زیادی‏ به بار آورد و آن را با عدم تعادل و بحران مواجه ساخت.

در سال گذشته مسیحی،دولت شیراک با اغتشاش‏های‏ فراوان روبه‏رو بود.مهم‏ترین این اغتشاش‏ها را خارجی‏ تبارهای مقیم فرانسته موجب شدند.این افراد که بیکاری‏ در میان‏شان بیداد می‏کد و بعضا به رقم 20 درصد می‏رسد،نارضایتی خود را در اکتبر و نوامبر سال گذشته‏ با ناآرامی‏های گسترده و خشونت‏بار و به آتش کشاندن‏ شهرهای فرانسه نشان دادند.

امسال نیز با پیشنهاد دولت و تصویب قانون جدید در مجلس فضای اجتماعی و سیاسی‏ فرانسه متلاطم گردید.این بار جوانان، همراه با دیگر قشرهای جامعه بر اثر سرخوردگی‏های اجتماعی حاصل از دوران ریاست جمهوری شیراک به‏ خیابان‏ها ریختند و دست به‏ تظاهرات خیابانی بزرگ زدند.

در مقابل دوویلپن در نطق خود برای ارائه این لایحه به مجلس، تصریح کرد که‏"این تنها راهی است‏ که می‏توانیم تعداد بیشتری از بیکاران‏ را به کار بگماریم‏".

دولت ادعا می‏کند که با اجرای این‏ قانون تعداد بیشتری از خیل جوانان‏ بیکار به کار مشغول می‏گردند؛چرا که این افراد عموما در پی کارهای‏ کوتاه مدت پر درآمد هستند و این‏ دو سال زمان می‏تواند برای بیشتر آنان یک مزیت نسبی بشمار رود. کارفرمایان فرانسوی نیز که قانون کار فرانسه به سختی اجازه اخراج‏ مستخدمان را به آن‏ها می‏دهد تمایل‏ کمتری به استخدام افراد جدید دارند.به این ترتیب اجرای‏ قانون جدید برای ترغیب آنان به مشارکت در پروژه بزرگ‏ "موقعیت‏های مساوی‏"الزامی است.

در طرف مقابل،جوانان و اتحادیه‏ها مدعی شده‏اند که‏ این قانون زمینه آغاز یک زندگی کاری دائمی برای جوانان‏ را فراهم نمی‏سازد.از همین رو آنان به دولت دوویلپن‏ فشار وارد می‏آورند که به جای اجرای چنین قوانینی،بهتر است به فکر تولید و خلق موقعیت‏های جدید کاری باشد.

شیراک پیش از این بسیار کوشیده بود تا فرانسویان قانون‏ اساسی اروپا را تصویب کنند،اما در این کار شکست‏ خورد و با مخالفت یکپارچه مردم فرانسه مواجه شد.او پس از این شکست به قصد تغییر افکار عمومی و انجام‏ اصلاحات همه جانبه،دوویلپن،دیپلمات و نیز شاعر مشهور فرانسوی که به دلیل خدمات ارزنده به ادبیات و دیپلماسی آن کشور از شهرت بسزائی برخوردار است، را به سمت نخست‏وزیری برگمارد.اگر چه دوویلپن‏ در پست‏های متعدد در کابینه شیراک ایفای نقش کرده و از اعتماد کامل رئیس‏جمهور نیز برخوردار است،ولی‏ هرگز منتخب مردم و نماینده ملت فرانسه در مجلس‏ ملی نبوده و پلکان ترقی را تنها با اتکاء به استعداد خود طی کرده است.برخی از دلایل شیراک برای انتخاب‏ دوویلپن را می‏توان چنین برشمرد:

تظاهرات و ناآرامی‏های گسترده علیه قانون جدید کار سراسر فرانسه را درنوردید

وی فردی بسیار باهوش،ژرف‏نگر،روشنفکر و فعال است؛

از نزدیکان مورد اعتماد شیراک و کسی است که‏ همیشه به راه وی وفادار مانده است؛

همانند شیراک از معتقدان به اتحاد کشورهای‏ اروپائی به عنوان یک قدرت بزرگ،بخصوص در زمینه‏های نظامی-امنیتی و به رهبری فرانسه است؛

مانند رئیس‏جمهور به ارتباط با آمریکا در عین‏ رعایت فاصله و حفظ استقلال باور دارد.سخنرانی‏ مشهور وی در شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابل‏ آمریکا و در زمان تصمیم‏گیری در خصوص حمله عراق‏ مؤید همین نظر است.این سخنرانی به تنهائی باعث‏ شهرت بسزای وی در میان فرانسویان شد؛

در عرصه اقتصاد،شیراک وی را فردی مطمئن برای‏ پیشبرد اصلاحات مورد نظر خود می‏داند؛اصلاحاتی‏ که به زعم شیراک می‏تواند به برقراری آرامش،تغییر افکار عمومی و جلب اعتماد مردم،ایفای نقش اصلی از سوی فرانسه در جهانی شدن و نیز مبارزه همه جانبه با نرخ بالای 10 درصدی بیکاری در کشور بینجامد.

دوویلپن نیز پس از بر عهده گرفتن پست‏ نخست‏وزیری کوشید فضای اجتماعی و سیاسی‏ فرانسه را که بر اثر همه پرسی قانون اساسی اروپا متلاطم گشته بود،آرام کند اما در عمل با اعتراض‏ها و اغتشاش‏های گسترده خارجیان مقیم فرانسه مواجه گردید. بیشترین نرخ بیکاری در اروپا،یعنی 40 درصد،در میان‏ این قشر وجود دارد و اینان در سخت‏ترین شرایط در فرانسه‏ زندگی می‏کنند.در واقع نرخ بالای بیکاری،اعمال‏ تبعیض‏های فراوان و نیز خارجی ستیزی،عواملی بودند که جامعه خارجی فرانسوی تبار را به خیابان‏ها کشاندند.

آن ناآرامی‏ها گرچه با اعتراض‏های امروزین در فرانسه‏ متفاوت بود،ولی شباهت‏هایی نیز با وضعیت کنونی‏ داشت.در واقع همان تظاهرات اکتبر و نوامبر گذشته‏ بودند که نخست‏وزیر و بعضی از آگاهان در دولت وی‏ را متقاعد ساختند که مجموعه کلی‏"موقعیت‏های‏ مساوی‏"را طراحی و به مجلس ارائه کنند.

از ابتدا دانشجویان،که هم اکنون حدود دو سوم‏ کلاس‏های درس دانشگاه‏ها را در سراسر فرانسه به‏ تعطیلی کشانده‏اند،بعضی اقشار هم حزبی نخست‏ وزیر،اتحادیه‏ها و برخی اعضای کابینه،بخصوص وزیر کشور آقای سارکوزی،هشدارهای لازم در این‏ خصوص را به دوویلپن دادند.وی نیز تأکید بر اینکه‏ صدای مردم را شنیده است قانون جدید را پاسخ مقتضی‏ و لازم برای حل مسائل دانست.

نخست‏وزیر فرانسه افزون بر آنچه در شهرها و خیابان‏های آن کشور در جریان است مواجه است،در عرصه مبارزات سیاسی با رقیبی پر قدرت نیز روبه‏روست:"سارکوزی‏"،مرد پر قدرت سیاست داخلی‏ و وزیر کشور فرانسه،فردی روشنفکر،دارای قابلیت‏های‏ رهبری،پای‏بند به اصول خاص خود در جهت امریکائی‏ کردن اقتصاد و نیز رئیس حزب محافظه کار سیاسی است. وی در گذشته در سمت‏های وزیر دارائی و معاون رئیس‏ مجلس ملی فرانسه به کار پرداخته است.فرانسویان، به دلایل گوناگون،سارکوزی را مرد سوم کشور،پس از رئیس‏جمهور و نخست‏وزیر،می‏دانند.

با توجه به برخی نزدیکی‏ها میان افکار سارکوزی و مواضع آمریکا،و نیز اظهار نظرهای وی درباره حوادث‏ اخیر که با افکار عمومی ملتهب همخوان است،وی را می‏توان تا حدودی برنده این ناآرامی‏ها و نیز انتخابات‏ آتی دانست.

حال جای این پرسش است که با توجه به وضعیت‏ پیش آمده،آینده فرانسه چگونه رقم خواهد خورد و دولت‏ ائتلافی شیراک چه سرنوشتی خواهد داشت؟و آیا شیراک،این شیر پیر صحنه سیاست فرانسه و آخرین‏ بازمانده نسل گذشته در اروپا،از ناهمواری‏های راه به‏ سلامت عبور خواهد کرد؟

در طول مدت تظاهرات نه نخست‏وزیر و دولت و نه‏ در این میان شیراک، خود را در خطر می‏بیند و در عین حال‏ به هیچ روی راضی به‏ بهره‏گیری وزیر کشور خود از موقعیت‏های به‏ وجود آمده نیست

مخالفان،هیچیک،حاضر به مصالحه با دیگری نشده و هر یک بر شعارهای خود باقی ماندند.دوویلپن در سخنرانی اخیر خود عدم اجرای قانون را بی‏احترامی به‏ مجلس و مردم دانسته است."جکی دینتیگر"،یکی از رهبران اتحادیه‏ها،نیز در پاسخ به نخست‏وزیر چنین‏ گفته است:"اگر به خواست‏مان نرسیم،به بسیج‏ عمومی گسترده‏تر از تظاهرات 28 مارس دست‏ خواهیم زد".

در این میان شیراک،که خود را در خطر می‏بیند و در عین‏ حال به هیچ روی راضی به بهره‏گیری وزیر کشور خود از موقعیت‏های به وجود آمده نیست،برای همسو کردن‏ افکار عمومی با خود،در عین دفاع از قانون کار،خواستار برخی اصلاحات در این قانون و شروع مذاکرات جدی‏ میان دو طرف شده است.

شیراک در سخنرانی 31 مارس 2006 خود،که‏ بلافاصله پس از تظاهرات مخالفان قانون جدید در سراسر فرانسه برگزار شد،پس از ارائه مقدمه‏ای تصریح‏ کرد:"گذشته از این قانون،امروز در برابر ما پرسش‏های‏ فراوانی مطرح است؛سوال‏هائی همچون:آینده‏ای که‏ برای جوانان خود طراحی کرده‏ایم چگونه است؟ الگوی اجتماعی مناسب پیشاروی فرانسه برای انطباق‏ با جهان امروز کدام است؟چگونه می‏توان به‏ اصلاحات پرداخت و آن را اجرا کرد؟"

به گفته شیراک هدف از تصویب قانون اولین قرارداد استخدامی،ایجاد فرصت برابر برای همگان بود.وی‏ در نطق تاریخی خود آشکارا به حمایت از دولت‏ دویلپن پرداخت و اعلام کرد:"نخست‏وزیر دوویلپن،خواستار ارائه و ایجاد فرصت‏های جدید شغلی برای همه جوانان برای ورود به بازار کار،قادر ساختن آنان به نشان دادن استعدادهای خود و برخورداری از تجربه‏های حرفه‏ای واقعی با انعقاد قراردادهای مناسب کاری است."

شیراک،سپس به مذاکرات بی‏نتیجه طرفین که‏ هفته‏هاست ادامه دارد،اشاره و این سوال را مطرح کرد که آیا باید قانون جدید را پس گرفت یا بر اجرای آن اصرار ورزید؟پاسخ وی به این پرسش چنین بود:وقتی مجلس‏ قانونی را تصویب و شورای قانون اساسی آن را تأئید می‏کند همه مردم فرانسه باید به آن احترام بگذارند.از سوی دیگر اعتراض‏ها،گرچه بعضا خشونت‏بار نیز بوده‏اند،قابل احترامند.

شیراک با این مقدمه به طرح دو پیشنهاد اصلاحی در قانون برای رسیدن به یک راه حل منطقی پرداخت:

اول،یک ساله شدن دوره کار آزمایشی به جای‏ دو سال؛

و دوم به رسمیت شناختن حق کارمندان در پرسش‏ پیرامون دلایل اخراج.

شیراک در پایان سخنان خود از همگان خواست که با نظر مثبت به این پیشنهادها بنگرند و به اعتصاب‏ها پایان‏ دهند.

اینکه آیا این دو اصلاح در قانون می‏تواند نظر معترضان‏ را تأمین کند همچنان مورد بحث است،ولی صرف ارائه‏ پیشنهاد از سوی شیراک نشانه اجبار وی به ورود به صحنه‏ و تلاش برای نزدیک کردن نظرات طرفین است.البته‏ برای جامعه فرانسه هضم آنچه اتفاق افتاده کاری دشوار است.از همین رو برخی صاحب نظران تغییرات اساسی‏ را در دولت ضروری می‏انگارند.به نظر می‏رسد شیراک‏ برای نجات خود و آینده احزاب ائتلافی باید به‏ اصلاحات اساسی مورد نظر مردم تن دهد تا شاید بتواند تا انتخابات بعدی خاطره تلخ رفراندوم قانون اساسی، اعتراض‏های فرانسویان خارجی تبار و نیز ناآرامی‏های‏ گسترده اخیر را از ذهن‏ها بزداید.

در تازه‏ترین تحول در این زمینه،نخست‏وزیر دوویلپن‏ اعلام کرد به توصیه رئیس‏جمهور شیراک قانون مورد مجادله پس گرفته یا ملغی می‏شود و به هر حال بلا اثر تلقی خواهد شد.در پی این تحول سندیکاهای کارگری‏ و سازمان‏های دانشجویی اعلام کردند در خصوص‏ خواسته خود به پیروزی رسیده‏اند و نظر خود را به کرسی‏ نشانده‏اند.

تحلیلگران امور سیاسی نیز بخت دوویلپن را برای احراز پست ریاست جمهوری فرانسه در انتخابات آتی آن کشور بسیار ضعیف پیش‏بینی می‏کنند.صحبت‏هایی نیز درباره‏ استعفای او از پست نخست‏وزیری در میان است.